مراتب توحید

توحید مراتب و اقسام دارد: توحید ذاتی، توحید صفاتی،توحید افعالی، توحید در عبادت. توحید ذاتی یعنی اینکه ذات پروردگار یگانه است،مثل و مانند ندارد، ماسوا همه مخلوق اوست و دون درجه و مرتبه او در کمال،بلکه قابل نسبت به او نیست.آیه کریمه لیس کمثله شی ء(1) و یا آیه و لم یکن له کفوا احد (2) مبین توحید ذاتی است.

توحید صفاتی یعنی صفات خداوند از قبیل علم، قدرت، حیات، اراده، ادراک، سمیعیت،بصیریت، حقایقی غیر از ذات پروردگار نیستند، عین ذات پروردگارند، به این معنی که ذات پروردگار به نحوی است که همه این صفات بر او صدق می کند و یا (به قولی)به نحوی است که آثار این صفات بر او مترتب است.

توحید افعالی یعنی نه تنها همه ذاتها، بلکه همه کارها(حتی کارهای انسان)به مشیت و اراده خداوند است وبه نحوی خواسته ذات مقدس اوست.

توحیددر عبادت یعنی جز ذات پروردگار هیچ موجودی شایسته عبادت و پرستش نیست، پرستش غیر خداوند مساوی است با شرک و خروج از دایره توحید اسلامی.

توحید در عبادت از نظری با سایر اقسام توحیدفرق دارد، زیرا آن سه قسم دیگر مربوط است به خدا و این قسم مربوط است به بندگان.به عبارت دیگر، یگانگی ذات و منزه بودنش از مثل و مانند، و یگانگی او در صفات، و یگانگی او در فاعلیت از شؤون و صفات او است، اما توحید در عبادت یعنی لزوم یگانه پرستی، پس توحید در عبادت از شؤون بندگان است نه از شؤون خداوند.ولی حقیقت این است که توحید در عبادت نیز از شؤون خداوند است زیرا توحید در عبادت یعنی یگانگی خداوند در شایستگی برای معبودیت، پس او یگانه معبود به حق است.کلمه «لا اله الا الله » همه مراتب توحید را شامل است و البته مفهوم ابتدائی آن، توحید در عبادت است.

توحید ذاتی وتوحید در عبادت جزء اصول اولیه اعتقادی اسلامی است، یعنی اگر کسی دراعتقادش به یکی از این دو اصل خللی باشد جزءمسلمین محسوب نمی گردد.احدی از مسلمین با این دو اصل مخالف نیست.

اخیرا فرقه وهابیه - که پیرو محمد بن عبد الوهاب اندو او تابع ابن تیمیه حنبلی شامی است - مدعی شده اند که پاره ای از اعتقادات مسلمین مثل اعتقاد به شفاعت، و پاره ای از اعمال مسلمین مانند توسلات و استمدادات از انبیاء و اولیاء بر ضد اصل توحید در عبادت است، ولی سایر مسلمین اینهارا منافی با توحید در عبادت نمی دانند.پس اختلاف وهابیه با سایر مسلمین در این نیست که آیا یگانه موجود شایسته پرستش، خداونداست یا غیر خداوند، مثلا انبیاء و اولیاء نیز شایسته پرستش اند، در این جهت تردید نیست که غیر خدا شایسته پرستش نیست، اختلاف در این است که آیا استشفاعات و توسلات، عبادت است یا نه؟پس نزاع فیما بین، صغروی است نه کبروی.علمای اسلام با بیانات مبسوط و مستدل، نظریه وهابیان را رد کرده اند.

توحید صفاتی همان است که مورد اختلاف معتزله و اشاعره است.اشاعره، منکر توحید صفاتی می باشند و معتزله طرفدار. توحید افعالی نیز مورد اختلاف معتزله واشاعره است با این تفاوت که در اینجا کار برعکس است، یعنی اشاعره طرفدار توحید افعالی و معتزله منکر آن می باشند.

اینکه معتزله خودرا «اهل التوحید» می خوانند و توحید را یکی از اصول پنجگانه خویش می شمارند، مقصودشان توحید صفاتی است نه توحید ذاتی یا توحید در عبادت (زیرااین دو قسم از توحید محل خلاف نیست)و نه توحید افعالی، زیرا اولا معتزله منکر توحید افعالی می باشند و ثانیا عقیده خویش را در مورد توحید افعالی تحت عنوان «اصل عدل » که اصل دوم از اصول پنجگانه آنهاست بیان می کنند.

اشاعره و معتزله در باب توحید صفاتی و توحیدافعالی سخت در دو قطب مخالف قرار گرفته اند، معتزله طرفدار توحید صفاتی و منکر توحید افعالی می باشند و اشاعره بالعکس،و هر کدام استدلالهایی در این زمینه آورده اند.ما در فصل مربوط، عقیده خاص شیعه را درباره این دو قسم توحید بیان خواهیم کرد.

پی نوشت ها:

.....

1.شوری/11.

2.اخلاص/4.